

متن پرسش

«تاریخی‌ترین لحظه در تمام فراز و نشیب مبارزات انتخاباتی یک ماه گذشته» «ما به هدفمان رسیدیم، جمهوریت احیا خواهد شد» برای من به عنوان یک ناظر، لحظه‌ای بود که سعید جلیلی در پاسخ به صحبت مسعود پزشکیان (که در حال قرائت جملاتی از امام علی در نهج‌البلاغه بود)، با پوزخند و تمسخر گفت؛ «این حدیث خواندن‌ها را امام جماعت مسجد هم بلد است!» «نکاتی که آقای پزشکیان فرمودند، از این که احادیثی می‌خوانند و متبرک می‌شود، خوب است ولی این احادیث را امام جماعت‌ها هم می‌خوانند. شما بگو امتداد عمل چیست؟» این همان لحظه‌ای است که ماهیت سیطره قدرت بر مذهب در تجربه جمهوری اسلامی به صریح‌ترین شکل ممکن بروز می‌کند: نظامی که مذهب را به تمام عرصه‌های خرد و کلان زندگی اجتماعی مردم وارد کرده و تمام باورها، نمادها و سرمایه‌های تشیع را برای توجیه قدرت و انحصاری کردن فرصت‌ها و منابع استعمار کرده، عصاره فضایلش پرورش جریانی شده است که آقای جلیلی در انتخابات اخیر آن را نمایندگی می‌کند: از خواندن نهج‌البلاغه و ارجاع به سخن امام علی علیه السلام آشفته می‌شود و بدون هرگونه پرده پوشی می‌گوید: خواندن نهج‌البلاغه را به امام جماعت مساجد واگذار کن و برنامه عملیاتی این دنیایی ارائه بده! این لحظه تاریخی، لحظه تولد امر عرفی و دنیایی به عریان‌ترین شکل از درون یک گفتمان با پوسته سخت مذهبی است؛ لحظه‌ای است که گویا به شکل متناقض‌نمایی، موضع اردوگاه افراد و جریان‌ها وارونه می‌شود: نامزد جریان اصلاحات (که سال‌ها از سوی رقیب متهم به بی‌دین کردن مردم و سکولاریسم شده است)، نهج‌البلاغه می‌خواند و به سخن علی علیه السلام دهد؛ نامزد جریان محافظه‌کار (بنیادگرای مذهبی)، می‌گوید خواندن نهج‌البلاغه را به اقتدار مذهبی روحانیان محلات واگذار کن و با زبان عملیاتی عرفی و برنامه با من صحبت کن! نسخه مبتذل این سکولاریسم که در عمق فکر این جریان رسوخ یافته، همان اظهار نظری بود که سخنان پزشکیان از قول امام علی علیه السلام را مناسب پشت نیسان خواند و صدای پزشکیان هنگام خواندن نهج‌البلاغه را روی انیمیشن گذاشت. خیلی باید روی این لحظه تاریخی فکر کرد: قدسی سازی تحمیلی زندگی روزمره مردم در منتها ایه خود به تولد سکولاریسمی با روکش مذهبی می‌رسد؛ گستراندن بی‌حساب چتر مذهب در همه ارکان یک حکومت و چسباندن پسوند «اسلامی» به انتهای هر آنچه می‌توان تصور کرد (اقتصاد اسلامی، حقوق بشر اسلامی، دولت اسلامی و...) در نقطه اوج خود به ریشخند گفتار دینی و منابع اصیل تشیع منتهی می‌شود. هر جا دین مداخله جوتر و "جامع‌تر شده، بیشتر از محتوا تهی و پوچ شده تا جایی که نماد جریان محافظه‌کار دینی خواهان برنامه عملی این دنیایی عاری از کلام و

نمادهای دینی می‌شود. این لحظه تاریخی هم باید برای حکومت فقهی و اعوان و ابواب جمعی آن عبرت انگیز باشد و هم یادآوری باشد از تز «مذهب علیه مذهب» شریعتی؛ اگر پزشک‌های هیچ کار دیگری در این انتخابات نکرده بود جز افشای ماهیت قدرت زده و دنیاگرایی شدید این مدعیان عظمت‌گرای تشیع، دین خود را به عرصه عمومی با کاندیداتوری در انتخابات ادا کرده بود؛ خارج کردن نهج‌البلاغه و امام علی علیه السلام از انحصار گورستان تنگ و تیره مصباحیسم و آوردن سخن علی علیه السلام در وسط میدان سیاست و عرصه عمومی ایران. گرچه اکنون او، بار سنگین و مسیر دشواری پیش روی خود می‌بیند؛ این دولت با خواندن نهج‌البلاغه و استناد به سیره علوی سر کار آمده است؛ امیدوارم باز تولید تجربه تلخ انقلاب ایرانیان در سال ۵۷ و رویایی که از حکومت عدل علی علیه السلام در سر داشتند، نشود. «تا بدنبال برقراری حکومت «عقل علی علیه السلام» نرویم، نمی‌توانیم به حکومت «عدل علی علیه السلام» نزدیک شویم.»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث در این مورد بسیار است، ماورای سؤال و جوابی که بتوانم در خدمت عزیزان باشم. آری! با سطحی‌کردن دین، جریانی به صحنه می‌آید که عملاً دیانت را از سیاست جدا می‌داند و به نظر بنده دغدغه‌های آقای دکتر جلیلی متوجه چنین خطری است. موفق باشید